

رابطه سن، هوش معنوی و هوش فرهنگی بر شادکامی دانشجویان

دانشگاه پیام‌نور

حسن امین‌پور^۱

تاریخ دریافت مقاله: ۹۵/۱/۲۰ تاریخ پذیرش مقاله: ۹۵/۵/۲۲

چکیده

شادی و شادکامی از متغیرهای مهم و تأثیرگذار در زندگی آدمی است. شادی، نوعی معنای زندگی یا از معنادارگان آن است. «وین هورن» (۱۹۹۷م) معتقد است شادکامی، مقدار ارزش مثبتی است که یک فرد برای خود قایل می‌شود. هدف این مطالعه، بررسی تأثیر متغیرهای سن، هوش معنوی و هوش فرهنگی بر شادکامی دانشجویان است.

روش این پژوهش، زمینه‌یابی بوده و براساس نمونه‌گیری طبقه‌ای از بین همه دانشجویان دانشگاه پیام‌نور استان آذربایجان غربی نمونه‌ای به حجم ۲۱۴ نفر انتخاب و آزمون‌های مورد مطالعه بر روی آنها اجرا شد. از آزمون ضریب همبستگی پیرسون برای محاسبه رابطه بین متغیرها و برای بررسی رابطه بین متغیرهای پیش‌بین و ملاک از رگرسیون گام‌به‌گام استفاده شد. نتیجه بررسی‌ها این است که بین متغیرهای هوش فرهنگی و شادکامی و نیز بین هوش معنوی و شادکامی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. نتایج رگرسیون گام‌به‌گام هم نشان می‌دهد که هوش معنوی به همراه هوش فرهنگی ۸/۶ درصد از واریانس متغیر شادکامی دانشجویان را تبیین می‌کنند. بین میانگین شادکامی دانشجویان دختر و دانشجویان پسر تفاوت معناداری وجود ندارد.

به‌طور کلی افراد دارای معنویت، میزان بالاتری از شادکامی را گزارش می‌کنند. در تبیین یافته‌های پژوهش می‌توان گفت افراد برخوردار از هوش معنوی و هوش فرهنگی از میزان شادکامی بالاتر و بیشتری بهره‌مند هستند.

کلیدواژه‌ها: هوش معنوی، هوش فرهنگی، شادکامی، دانشجویان، دانشگاه پیام‌نور.

بیان مسئله

شادی و شادکامی یکی از نیازهای انسان و لازمه زندگی است؛ و از متغیرهای مهم و تأثیرگذار در زندگی آدمی به‌شمار می‌رود. شادی، نوعی معنای زندگی یا از معنادهندگان آن است (King & Napa, 1998: 156). «لیبو میرسکی» (۲۰۰۷م) معتقد است که افراد شاد به‌طور کلی در بسیاری از حوزه‌های زندگی، نسبت به افراد کمتر شاد یا ناشاد موفق‌تر هستند. اشخاص مثبت‌نگری که خلق مثبت و احساس شادمانی و بهزیستی بیشتری دارند از سلامت روان و کیفیت بالای زندگی نیز برخوردارند. وجود افراد سالم از جمله دانشجویان به‌منزله بخش درخور توجهی از افراد جامعه، به ایجاد اجتماعی مثبت‌نگر، سالم و کارآمد می‌انجامد. شادکامی، از قضاوت و داوری انسان درباره چگونگی گذران زندگی ناشی می‌شود. این نوع داوری از بیرون به فرد تحمیل نمی‌شود؛ بلکه حالتی است درونی که از هیجان‌های مثبت تأثیر می‌پذیرد. «مایرز» معتقد است این احساس از راه رسیدن به چیزهای خیلی زیاد و برجسته به‌دست نمی‌آید؛ بلکه لذت‌های کوچک، بیشتر ما را شادمان می‌سازند (بهداری خسروشاهی و باباپور خیرالدین، ۱۳۹۱: ۳۶ - ۵۰). استراک و همکاران باور دارند که افراد شادکام کسانی هستند که اطلاعات را به‌گونه‌ای پردازش و تفسیر می‌کنند که به خوشحالی آنها بینجامد. پژوهش‌های روان‌شناختی انجام‌شده درباره شادی چندان زیاد نیست؛ اما در چند دهه اخیر علاقه بسیاری از محققان و نویسندگان به‌سوی لذت، شادکامی و رضایت از زندگی معطوف شده است (کانمن^۱ و همکاران، ۲۰۰۳، به‌نقل از صیامیان و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۶۰). بررسی‌ها نشان می‌دهد

افرادی که از سطوح بالای احساس شادکامی برخوردارند خشنودی و رضایتمندی از زندگی و فراوانی خوشی و هیجان‌ات مثبت مثل شادی، نشاط، خوش‌بینی و فقدان هیجان‌ات ناخوشایند همچون غمگینی و خشم، افسردگی، اضطراب، احساس تنهایی را بیشتر تجربه می‌کنند (منظری توکلی و عراقی‌پور، ۱۳۸۹: ۲۳).

هوش معنوی

پس از گسترش مفهوم هوش به سایر قلمروها، ظرفیت‌ها و توانایی‌های انسان و به‌ویژه مطرح شدن هوش هیجانی در روان‌شناسی، ایمونز^۲ در سال ۱۹۹۹م، سازه جدیدی را با عنوان «هوش معنوی»^۳ مطرح کرد که مجموعه‌ای از توانایی‌ها برای بهره‌گیری از منابع دینی و معنوی است. هوش معنوی سازه‌های هوش و معنویت را در یک سازه ترکیب کرده است. به‌نظر ایمونز، هوش معنوی می‌تواند به‌عنوان یک ادراک عاقلانه درباره جهان در نظر گرفته شود و یکی از مفاهیمی است که در پرتو توجه و علاقه جهانی روان‌شناسان به حوزه دین و معنویت، مطرح شده و توسعه پیدا کرده است.

هوش معنوی، خودآگاهی عمیقی است که سبب می‌شود فرد هرچه بیشتر از جنبه‌های درونی خود آگاه شود، به‌گونه‌ای که تنها یک بدن نیست؛ بلکه مجموعه‌ای از فکر، بدن و روح است (Sisk, 2008: 27). واگان^۴ (۲۰۰۲م) معتقد است که هوش معنوی، یکی از انواع هوش‌های چندگانه است که به‌طور مستقل می‌تواند رشد و توسعه یابد. هوش معنوی نیازمند شیوه‌های مختلف شناخت و وحدت زندگی درونی ذهن و روح با زندگی در دنیای هستی است. مک‌شری^۵ و همکاران (۲۰۰۲م)

2. Emmons, R. A.
3. Spiritual intelligence
4. Vaughan, F.
5. McSherry, W.

1. Kahneman, D.

هوش فرهنگی

ارلی و انگ^۷ مفهوم چندوجهی هوش فرهنگی را برای نخستین بار مطرح کردند. این دو اندیشمند، هوش فرهنگی را قابلیت یادگیری الگوهای جدید در تعاملات فرهنگی و ارائه پاسخ‌های رفتاری صحیح در این الگوها تعریف کرده‌اند (Early & Ang, 2003: 123). پترسون^۸ (۲۰۰۴م)، هوش فرهنگی را استعداد به‌کارگیری مهارت‌ها و توانایی‌ها در محیط‌های مختلف تعریف می‌کند و در تعریفی دیگر آن را یک قابلیت فردی برای درک، تفسیر و اقدام اثربخش در موقعیت‌هایی دانسته که تنوع فرهنگی دارند و با آن دسته از مفاهیم مرتبط با هوش سازگار است. او هوش را بیشتر یک توانایی شناختی می‌داند. مطابق با این تعریف، هوش فرهنگی با تمرکز بر قابلیت‌های خاصی که برای روابط شخصی باکیفیت و اثربخش در شرایط فرهنگی مختلف لازم است، بر جنبه‌ای دیگر از هوش شناختی تمرکز دارد. هوش فرهنگی همچنین بینش‌های فردی را دربرمی‌گیرد که برای انطباق با موقعیت‌ها و تعاملات میان فرهنگی و حضور موفق در گروه‌های کاری چندفرهنگی مفید است.

هوش فرهنگی (CQ)، توانایی فرد برای انطباق مؤثر و کارآمد با موقعیت‌های فرهنگی جدید است؛ بنابراین، به شکلی از هوش موقعیتی (مکانی) اشاره دارد که این رفتارهای هوشمندانه تطابقی از نظر فرهنگی، با ارزش‌ها و باورهای یک جامعه یا فرهنگ خاص پیوند می‌خورد (همان؛ به‌نقل از احمدی، ۱۳۹۰: ۱۲۴ - ۱۲۵).

توماس^۹ و همکاران (۲۰۰۸م) هوش فرهنگی را سیستم ارتباط دانش و مهارت‌ها تعریف می‌کنند که با

تأکید می‌کنند هوش معنوی زیربنای باورهای فرد است که سبب اثرگذاری بر عملکرد وی می‌شود، به‌گونه‌ای که شکل واقعی زندگی را قالب‌بندی می‌کند و ظرفیتی برای الهام است و با شهود و نگرش کل‌نگر به جهان هستی، در جست‌وجوی پاسخی برای پرسش‌های بنیادین زندگی و نقد سنت‌ها و آداب و رسوم است. سیسک و تورنس^۱ (۲۰۰۱م)، عناصر هوش معنوی را در شش زمینه مطرح کردند که عبارت است از: ظرفیت‌های اصلی^۲، ارزش‌های اصلی^۳، تجربه‌های اصلی^۴، رفتارهای پرهیزکارانه مهم، سیستم نمادی و حالت‌های مغزی.

نوبل^۵ و واگان نیز هشت عنصر را برای هوش معنوی در نظر گرفتند که نشان‌دهنده رشد آن است؛ که عبارت است از: درستی و صراحت، تمامیت، تواضع، مهربانی، سخاوت، تحمل، مقاومت و پایداری و تمایل به برطرف کردن نیازهای دیگران (Nasel, 2004: 63).

عناصر این هوش از دیدگاه ایمونز (۲۰۰۰م) عبارت است از: الف) ظرفیت برای تعالی؛ ب) توانایی برای تجربه حالت‌های هشیاری عمیق؛ ج) توانایی برای خدایی کردن و تقدس بخشیدن به امور روزانه؛ د) توانایی برای سود بردن از منابع معنوی برای حل مسائل؛ و ه) ظرفیت پرهیزکاری (تقوی داشتن، گذشت، فداکاری و...).

از دیدگاه کینگ نیز دارای چهار عنصر تفکر وجودی، تولید معنای شخصی، بسط هشیاری و آگاهی متعالی است (King, 2008: 2).

زوهر و مارشال^۶ (۲۰۰۰م: ۷) عقیده دارند که هوش معنوی تعامل علت و عاطفه، جسم و ذهن را تسهیل کرده و تکیه گاهی برای رشد و تحول می‌سازد.

7. Earley, P. C. & Ang, S.

8. Peterson, B.

9. Thomas, D. C.

1. Torrance, E. P.
2. Core Capacities
3. Core Values
4. Core Experiences
5. Noble
6. Zohar & Marshall, I.

دیگر و تعامل با افرادی از فرهنگ‌های مختلف) و رفتاری (قابلیت فرد برای نمایش اعمال کلامی و غیرکلامی مناسب در تعامل با افرادی از فرهنگ‌های مختلف) می‌دانند.

بررسی‌ها نشان می‌دهد، افراد زیادی با داشتن هوش‌بهر بالا و مهارت‌های اجتماعی مناسب، در تعاملات بین‌المللی شکست می‌خورند که علت اصلی آن، پایین بودن هوش فرهنگی آنهاست (Sternberg, 1999: 432-436). ارلی و موساکوسکی^۳ (۲۰۰۴م) اعتقاد دارند افرادی که هوش فرهنگی سطح پایینی دارند، شاید قادر به برقراری ارتباط مؤثر با همکاران و اطرافیان خود نباشند. به‌طورکلی نحوه شکل‌گیری هوش فرهنگی پروسه‌ای است که افراد در جریان آن، دانش فرهنگی را به‌عنوان وجهی از واقعیت زندگی درک کرده و کسب می‌کنند. همچنین به نظر پلوم^۴ و همکاران (۲۰۰۷م) هوش فرهنگی، درک ظاهر و باطن افراد از نظر فکری و عملی است و چارچوب و زبانی را در اختیار ما قرار می‌دهد که بتوانیم تفاوت‌ها را درک کرده و روی آنها سرمایه‌گذاری کنیم نه اینکه آنها را تحمل کرده یا نادیده بگیریم.

شادکامی

وین هورن^۵ (۱۹۹۷م) معتقد است شادکامی، مقدار ارزش مثبتی است که یک فرد برای خود قایل می‌شود. شادکامی چندین جزء اساسی را دربرمی‌گیرد:

الف) جزء هیجانی که فرد شادکام از نظر خلقی، شاد و خوشحال است؛

ب) جزء اجتماعی که فرد روابط اجتماعی خوبی با دیگران برقرار می‌سازد و می‌تواند از آنها حمایت اجتماعی دریافت کند؛

استراتژی‌های فرهنگی پیوند خورده و به افراد اجازه می‌دهد تا با جنبه‌های فرهنگی محیطی‌شان تطبیق پیدا کرده؛ آنها را انتخاب کند و شکل دهد. دانش فرهنگی، مهارت‌های میان فرهنگی، فرهنگ و فراشناختی از اجزای آن است که در ارتباطات بین فرهنگی مؤثر (قضاوت فردی، توسعه روابط بین فردی و عملکرد وظیفه) کاربرد دارد.

ارلی و پترسون^۱ (۲۰۰۴م) معتقدند هوش فرهنگی، بازتاب توانایی فرد برای جمع‌آوری، تفسیر و فعالیت با رویه‌های متفاوت است تا در زمینه‌های میان فرهنگی یا موقعیت چندفرهنگی به‌طور مؤثر عمل کند که شامل اجزای فراشناختی، شناختی (استراتژی‌های یادگیری و ادراک فرهنگی)، انگیزش (تفکر فرهنگی و خودتأثیری) و رفتار (رفتار درخورپذیرش در فرهنگ و تقلید) است و برای آموزش بین فرهنگی و تیم‌های چندملیتی کاربرد دارد.

هوش فرهنگی استعداد شناخت، درک و مدیریت استانداردهای زندگی در جامعه، نهادهای اجتماعی، ارزش‌های زیباشناختی در جامعه، زبان رسمی و غیررسمی، اعتقادات فرهنگی و جهان‌بینی بیشتر افراد جامعه را دربرمی‌گیرد؛ به‌عبارت‌دیگر، این هوش مبین توانایی و استعداد درک موقعیت‌های مبهم اجتماعی و فرهنگی است و بر استعداد مدیریت، ایجاد و تعدیل معانی مشترک در محیط اجتماعی دلالت دارد (اصغری‌زاده و قاسمی، ۱۳۸۹: ۷۱).

انگ، ون داین و گه^۲ (۲۰۰۷م)، این هوش را شامل چهارعنصر شناختی (دانش عمومی درباره فرهنگ‌های دیگر)، فراشناختی (روشی که یک فرد، تجارب بین فرهنگی را بدان‌گونه استدلال می‌کند)، انگیزشی (بیانگر علاقه فرد به آزمودن فرهنگ‌های

3. Earley, P. C. & Mosakowski, E

4. Plum, E.

5. Veenhoven, R.

1. Peterson, R. S.

2. Ange, S. & Van Dyne, L. & Koh, C.

تعریف شده است (Bekhet, et al, 2008: 14). نتایج پژوهش‌ها نشان می‌دهد که رابطه معناداری بین جنسیت و شادکامی وجود ندارد (صیامیان و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۵۹)؛ به عبارت دیگر، بین میانگین شادکامی دانشجویان دختر و پسر تفاوت معناداری وجود ندارد (علی‌پور و آگاه هریس، ۱۳۸۶: ۲۹۶؛ عناصری، ۱۳۸۶: ۷۵؛ صفری، ۱۳۸۹: ۷۹؛ یعقوبی، ۱۳۸۹: ۹۸؛ امیدیان، ۱۳۸۸: ۱۱۱؛ دبیری و همکاران، ۱۳۹۰: ۱؛ صحرائیان و همکاران، ۱۳۹۰: ۷۲؛ رفیعی و همکاران، ۱۳۹۱: ۲۰). این نتایج نشان می‌دهد میانگین نمره شادکامی پسران بیشتر از دختران است بیرامی و همکاران (۱۳۹۰)؛ علی‌پور و نوری (۱۳۸۵) نشان می‌دهند که میانگین نمره شادکامی پسران بیشتر از دختران است.

دیگر یافته‌های پژوهشی اینکه با افزایش میزان هوش معنوی، میزان شادکامی دانشجویان نیز افزایش می‌یابد و بین هوش معنوی و شادکامی رابطه معناداری وجود دارد (یعقوبی، ۱۳۸۹: ۹۲؛ باقری و همکاران، ۱۳۹۰: ۲۵۶؛ Ellison, Pollner, 1989: 98; 1991: 80).

جنیا^۳ (۱۹۹۶م) دریافت که سلامت معنوی با گرایش درونی به مذهب همبستگی دارد و تعهد جدی در برابر مذهب به خودی خود می‌تواند هدف نهایی تلقی شود و داشتن هدف در زندگی با شادی همبستگی مثبت دارد.

جامعه آماری و نمونه مطالعه شده

باتوجه به روش پژوهش، رابطه بین هوش معنوی، هوش فرهنگی و سن بر شادکامی دانشجویان دانشگاه پیام‌نور از بین همه دانشجویان دانشگاه پیام‌نور استان آذربایجان غربی نمونه‌ای به حجم ۲۱۴ نفر براساس

ج) جزء شناختی که باعث می‌شود فرد اطلاعات را به روش خاصی پردازش کرده، تعبیر و تفسیر کند که در نهایت، باعث احساس شادی و خوش‌بینی در وی می‌شود.

به نظر آرگایل، مارتین و لو^۱ (۱۹۹۵م)، ارزشیابی افراد در شادکامی، از خود و زندگی شان می‌تواند، جنبه‌های شناختی، مثل قضاوت درباره‌ی خوشنودی از زندگی یا جنبه‌های هیجانی مانند خلق یا عواطف در واکنش به رویدادهای زندگی را دربرگیرد؛ همچنین از دیدگاه عموم مردم، شادی به معنی بودن در حالت خوشحالی و سرور، رضایت از زندگی و فقدان افسردگی است. شادی با واژه‌هایی همچون خوشحالی، شادکامی، خوشی و نشاط هم‌معنی دانسته شده است (معین، ۱۳۷۱: ذیل شادی).

مطالعات تحلیل عاملی آندریو و مک‌کنل^۲ (۱۹۸۰م) نشان می‌دهد، شادکامی دوجنبه عاطفی و شناختی دارد. جنبه عاطفی بیان‌کننده تجربه هیجانی لذت، سرخوشی و سایر هیجان‌های مثبت است و جنبه شناختی، رضایت از ابعاد مختلف زندگی را دربرمی‌گیرد.

شادکامی از دیدگاه سایر محققان، عناصر مختلفی دارد؛ از جمله عاطفی (فرد همواره از نظر خلقی شاد و خوشحال باشد)، اجتماعی (افزایش روابط اجتماعی با دیگران و افزایش حمایت اجتماعی) و شناختی (رد وقایع روزمره را طوری تعبیر و تفسیر کند که خوش‌بینی وی را به دنبال داشته باشد) (Myers & Diener, 1995: 11). به‌طورکلی، شادکامی یک مفهوم مثبت است که برای سالم ماندن، مهم و حیاتی است (Gavin & Mason, 2004: 379) و به‌عنوان یک رضایت کامل، بادوام و قانع‌کننده در زندگی، یک کل

1. Argyle, M. & Martin, M. & Lu, L.
2. Andrews, F. M. & McKennell, A, C.

3. Genia, V.

نمونه‌گیری طبقه‌ای انتخاب شدند. ویژگی‌های نمونه مطالعه‌شده به شرح زیر است. از نظر سنی میانگین سن نمونه مطالعه‌شده برابر با ۲۲ سال (حداقل و حداکثر به ترتیب ۱۸ و ۳۰) بود. نمونه مطالعه‌شده از نظر جنسیت: ۶۰ درصد (۱۲۸ نفر) دختر و ۴۰ درصد (۸۶ نفر) پسر بودند.

روش پژوهش

پژوهش از نوع زمینه‌یابی است. برای محاسبه رابطه بین متغیرها از آزمون ضریب همبستگی پیرسون؛ برای بررسی رابطه بین متغیرهای پیش‌بین و ملاک از رگرسیون گام‌به‌گام؛ برای به‌دست‌آوردن تفاوت بین میانگین متغیرهای مورد مطالعه از آزمون t مستقل و برای به‌دست‌آوردن اعتبار آزمون‌ها از روش آلفای کرونباخ استفاده شده؛ و در آخر، تجزیه و تحلیل داده‌ها نیز با نرم‌افزار Spss 19 انجام شده است.

ابزار پژوهش

برای اندازه‌گیری متغیرهای مورد مطالعه از آزمون‌های هوش معنوی، هوش فرهنگی و شادکامی استفاده شده است.

آزمون هوش معنوی

آمرام و دریر^۱ (۲۰۰۷م) مقیاس هوش معنوی یکپارچه^۲ (ISIS) را در فرم بلند با ۸۳ سؤال و در فرم کوتاه با ۴۵ سؤال تهیه کردند. هر دو فرم هوش معنوی، ۲۲ زیرمقیاس دارد. برای ساخت این پرسش‌نامه ابتدا براساس مطالعات والش^۳ (۱۹۹۹م) به‌نقل از آمرام و دریر (۲۰۰۷م)، ویژگی‌های افراد معنوی در ادیان مختلف مانند بودیسم^۴، مسیحیت،

اسلام، یهود، کنفوسیوسم^۵، شناخته و تعریف شد؛ سپس آمرام و دریر برای توسعه این تعریف‌ها از ویژگی‌ها و خصوصیات افراد معنوی ۷۱ مصاحبه با افرادی از دین‌های مختلف انجام دادند. حداقل چهار مصاحبه برای هر دین انجام شده است. براساس این مطالعات، ۲۲ ویژگی اصلی در همه ادیان به‌عنوان ویژگی افراد معنوی شناخته شد و در این پرسش‌نامه به هفت گروه طبقه‌بندی شدند؛ که عبارتند از:

۱. هوشیاری (آگاهی، ترکیب‌کردن)؛
۲. خوبی (زیبایی، قدرشناسی، لذت‌بردن)؛
۳. جهت‌گیری درونی (بصیرت و قوه درک، استقلال)؛
۴. معنا و مفهوم (هدف، خدمت‌کردن)؛
۵. وجود و شخصیت (تجسم، بینش و بصیرت)؛
۶. حقیقت و صداقت (پذیرش و قبول، متفکر، خوش‌بینی، مسالمت‌آمیز، پذیرش خود)؛
۷. تمامیت و کلیت (تقدس و پاکی، وابستگی، مقدس و روحانی، خودبرتر، تمرین و ممارست، خودداری).

آزمون هوش فرهنگی

مقیاس هوش فرهنگی^۶ (CQS)، یک ابزار سنجش ۲۰ سؤالی است که با استفاده از یک مقیاس ۷ گزینه‌ای کاملاً موافق (۷ امتیاز) تا کاملاً مخالف (۱ امتیاز)، قابلیت‌های هوش فرهنگی را در الگوی چهار بُعدی در قالب هوش فرهنگی شناختی، هوش فرهنگی فراشناختی، هوش فرهنگی انگیزشی و هوش فرهنگی رفتاری می‌سنجد. این پرسش‌نامه را انگ و همکارانش (۲۰۰۴م) طراحی کردند.

پاسخ به عبارات این پرسش‌نامه به صورت هفت گزینه‌ای است که امتیازهای آن با هم جمع می‌شود.

1. Amram, Y. & Dryer, C.
2. Psycho-Matrix Spirituality Inventory
3. Walsh
4. Buddhism

5. Confuciusism
6. Cultural Quotient Scale

خویشتن و هوشیاری روانی را به دست آوردند.

نتایج تحلیل عاملی علی‌پور و نوربالا (۱۳۷۸) نشان می‌دهد که آزمون شادکامی از پنج عامل (رضایت از زندگی، حرمت خود، بهزیستی فاعلی، رضایت خاطر و خلق مثبت تشکیل شده) و این عامل‌ها مجموعاً ۵۷/۱ درصد از واریانس کل را تبیین می‌کنند. هریک از سؤال‌های این آزمون ۴ گزینه دارد. در این آزمون به گزینه الف: ۰ (صفر) نمره؛ گزینه ب: ۱ نمره؛ گزینه ج: ۲ نمره و گزینه د: ۳ نمره داده می‌شود. حداقل نمره ۰ (صفر) و حداکثر نمره ۸۷ خواهد شد. نمره بالا در این آزمون نشان‌دهنده شادکامی بالا خواهد بود (بهداری خسروشاهی و باباپورخیرالدین، ۱۳۹۱: ۴۱ - ۴۲).

اعتبار آزمون

بهداری خسروشاهی و باباپورخیرالدین (۱۳۹۱) اعتبار آزمون را به روش آلفای کرونباخ ۰/۹۳؛ دبیری و همکاران (۱۳۹۰): ۰/۹۱؛ یعقوبی و برادران (۱۳۹۰): ۰/۸۲؛ ثابت و لطفی‌کاشانی (۱۳۸۹): ۰/۹۰۱؛ هادی‌نژاد و زارعی (۱۳۸۸): ۰/۸۳؛ خوش‌کنش و کشاورز افشار (۱۳۸۷): ۰/۹۲؛ علی‌پور و آگاه هریس (۱۳۸۶): ۰/۹۱؛ کشاورز (۱۳۸۴): ۰/۸۲؛ جعفری و همکاران (۱۳۸۳): ۰/۸۵ و فرانسیس^۲ و همکاران (۱۹۹۸): ۰/۹۲ به دست آوردند.

روایی آزمون

برای بررسی روایی آزمون از قضاوت دوستان و آموزدنی‌ها استفاده شد که همبستگی درخور قبولی (۰/۴۳) به دست آمد (Argyle & LU; 1989: 1011-). روایی این پرسش‌نامه در مطالعات گوناگون مناسب گزارش شده است (Hills & Argyl; 2001:)

این آزمون از ۴ عامل تشکیل شده است. چهار عبارت اول مربوط به عامل راهبردی یا فراشناختی هوش فرهنگی است؛ عبارت ۵ تا ۱۰ مربوط به عامل دانشی یا شناختی هوش فرهنگی است؛ عبارات ۱۱ تا ۱۵ درباره عامل انگیزشی هوش فرهنگی است و عبارات ۱۶ تا ۲۰ مربوط به عامل رفتاری هوش فرهنگی است (Ange et al, 2007: 336).

اعتبار عامل‌های تشکیل‌دهنده آزمون در پژوهش انگ و همکاران (۲۰۰۴م) با استفاده از روش آلفای کرونباخ برای عامل راهبرد یا فراشناخت (۰/۷۶)، دانش یا شناخت (۰/۸۴)، انگیزشی (۰/۷۶) و رفتاری (۰/۸۳) به دست آمد. غفاری (۱۳۸۷) در مطالعه‌ای ضرایب آلفای کرونباخ برای تمامی ابعاد هوش فرهنگی را بالای ۰/۷۰ ذکر کرده است. صفاری‌نیا و عبدالله‌زاده (۱۳۸۹) اعتبار به دست‌آمده را بر روی ۱۴۰ دانشجوی ترکمن دانشگاه پیام‌نور مرکز بهشهر، برای کل آزمون ۰/۸۵، برای عامل راهبردی (۴ عبارت) ۰/۶۸، عامل دانشی (۶ عبارت) ۰/۸۶، عامل انگیزشی (۵ عبارت) ۰/۷۶ و عامل رفتاری (۵ عبارت) ۰/۷۰ ذکر کرده‌اند. نتایج حاصل از بازآزمایی به فاصله ۱۵ روز، بیانگر همبستگی ۰/۷۹ ذکر شده است. این نتایج نشان می‌دهند که هوش فرهنگی از اعتبار لازم برای انجام کارهای پژوهشی برخوردار است.

آزمون شادکامی

آرگایل و همکاران (۱۹۹۵ب) برای اندازه‌گیری شادکامی پرسش‌نامه ۲۹ ماده‌ای و براساس پرسش‌نامه افسردگی بک^۱ (۱۹۷۶م). به نقل از آرگایل و همکاران (۱۹۹۵ب) ساخته‌اند و با تحلیل عاملی نتایج آن هفت عامل شناخت مثبت، تعهد اجتماعی، خلق مثبت، احساس کنترل زندگی، سلامت جسمی، رضایت از

2. Francis, L. J.

1. Beck, A.

جدول ۲. شاخص‌های توصیفی و ضریب همبستگی متغیرهای مطالعه‌شده با شادکامی

تعداد	ضریب همبستگی پیرسون	شاخص‌های توصیفی		متغیر
		انحراف استاندارد	میانگین	
۲۱۴	۰/۱۵۸*	۱۵/۱۵	۸۴/۴۵	هوش فرهنگی
۲۱۴	۰/۲۶۲**	۴۱/۰۵	۳۰۲/۴۶	هوش معنوی
۲۱۴	-۰/۰۷۴	۲/۶۹	۲۲/۱۳	سن
۲۱۴	۱	۱۳/۴۸	۴۴/۱۹	شادکامی

* ضریب همبستگی در سطح $\alpha=0/05$ معنادار است.

** ضریب همبستگی در سطح $\alpha=0/01$ معنادار است.

باتوجه به نتایج جدول ۲ بین متغیرهای هوش فرهنگی و شادکامی رابطه مثبت و معناداری (۰/۱۵۸) وجود دارد ($p<0.05$) و همچنین بین هوش معنوی و شادکامی رابطه مثبت و معناداری (۰/۲۶۲) وجود دارد ($p<0.01$).

برای بررسی رابطه بین متغیرهای مورد مطالعه از آزمون رگرسیون گام‌به‌گام استفاده شد، نتایج در جدول‌های ۳ و ۴ آمده است.

601-600). روایی صوری این پرسش‌نامه را جعفری، عابدی و لیاقتدار (۱۳۸۳)، نشاط‌دوست و همکاران (۱۳۸۶) و علی‌پور و آگاه هریس (۱۳۸۶) تأیید کرده‌اند.

نتایج

اعتبار آزمون‌های مورد مطالعه با استفاده از روش آلفای کرونباخ در جدول ۱ آمده است.

جدول ۱. اعتبار آزمون‌های مورد مطالعه

ردیف	آزمون	اعتبار	تعداد سؤال
۱	هوش فرهنگی	۰/۸۰۵	۲۰
۲	هوش معنوی	۰/۹۳۷	۸۳
۳	شادکامی	۰/۹۰۰	۲۹

نتایج به‌دست‌آمده از جدول نشان می‌دهد آزمون‌های مطالعه‌شده (هوش فرهنگی، هوش معنوی و شادکامی) اعتبار بالایی برای انجام کارهای پژوهشی دارند.

شاخص‌های توصیفی (میانگین و انحراف استاندارد) و ضریب همبستگی (پیرسون) متغیرهای مطالعه‌شده با شادکامی در جدول ۲ آمده است.

جدول ۳. خلاصه مدل رگرسیون گام‌به‌گام

Change Statistic					خطای استاندارد برآورد	ضریب تعیین (تعدیل شده)	ضریب تعیین	ضریب همبستگی	مدل
Sig F Change	درجه آزادی ۲	درجه آزادی ۱	F Change	ضریب تعیین هر متغیر					
۰/۰۰۱	۲۱۲	۱	۱۵/۶۵	۰/۰۶۹	۱۳/۰۳	۰/۰۶۴	۰/۰۶۹	۰/۲۶۲	۱
۰/۰۴۸	۲۱۱	۱	۳/۹۶	۰/۰۱۷	۱۲/۹۴	۰/۰۷۷	۰/۰۸۶	۰/۲۹۳	۲

گام اول: متغیر پیش‌بین: هوش معنوی

گام دوم: متغیر پیش‌بین: هوش معنوی و عامل دانشی (هوش فرهنگی)

متغیر ملاک: شادکامی

متغیر وابسته: شادکامی

جدول ۴. ضرایب استاندارد شده و استاندارد نشده رگرسیون

Sig	t	ضرایب استاندارد نشده		مدل		
		Beta	خطای استاندارد			
۰/۰۰۷	۲/۷۳۴		۶/۶۴۰	۱۸/۱۵۷	۱	مقدار ثابت
۰/۰۰۱	۳/۹۵۶	۰/۲۶۲	۰/۰۲۲	۰/۰۸۶		هوش معنوی
۰/۱۰۵	۱/۶۲۶		۷/۳۰۹	۱۱/۸۸۳	۲	مقدار ثابت
۰/۰۰۱	۳/۹۳۶	۰/۲۵۹	۰/۰۲۲	۰/۰۸۵		هوش معنوی
۰/۰۴۸	۱/۹۹۰	۰/۱۳۱	۰/۱۴۱	۰/۲۸۱		عامل دانشی (هوش فرهنگی)

به‌دست‌آمده نشان می‌دهد بین میانگین شادکامی دانشجویان دختر (۴۲/۷۸) و دانشجویان پسر (۴۶/۲۷) تفاوت معناداری وجود ندارد ($t=-1.868$ $p>0.05$).

نتیجه‌گیری

از زمان‌های دور، بشر به دنبال آرمان‌هایی بوده است که در آن با رضایت زندگی کند و از زندگی خود شاد و خشنود باشد. شادکامی و احساس بهزیستی ذهنی و آوازه‌هایی هستند که در روان‌شناسی امروز برای بیان این حالت به‌کار می‌روند. شادکامی هدف مشترک افراد است و همه برای رسیدن به آن تلاش می‌کنند (Buss, 2000: 15).

نتایج به‌دست‌آمده نشان می‌دهد که متغیرهای هوش معنوی و هوش فرهنگی به‌ترتیب بیشترین رابطه مثبت با شادکامی دانشجویان دارند و این دو متغیر تاحدودی ۸/۶ درصد از واریانس متغیر شادکامی دانشجویان را تبیین می‌کنند. بخشی از این یافته که با افزایش میزان هوش معنوی، میزان شادکامی دانشجویان نیز افزایش می‌یابد، موافق با نتایج پژوهش یعقوبی (۱۳۸۹) و باقری و همکاران (۱۳۹۰)، ایسون (۱۹۹۱م) و پولنر (۱۹۸۹م) است. در تبیین این یافته می‌توان گفت افراد شادکام رویدادهای بیشتری را که

همان‌طور که در جدول‌های ۳ و ۴ مشاهده می‌شود در گام اول متغیر هوش معنوی وارد معادله شد که اثر رگرسیون $F=15/653$ برآورد شد که در سطح $0/001$ با درجه آزادی ۱ و ۲۱۲ معنادار است. همبستگی این متغیر با شادکامی $0/262$ بوده و R^2 محاسبه‌شده براساس این متغیر $0/069$ است؛ یعنی این متغیر تاحدودی ۷ درصد از واریانس متغیر شادکامی دانشجویان را تبیین می‌کند.

در گام دوم به همراه هوش معنوی، هوش فرهنگی (عامل دانشی) وارد معادله شدند که اثر رگرسیون $F=3/962$ برآورد شد که در سطح $0/048$ با درجه آزادی ۱ و ۲۱۱ معنادار است. همبستگی این متغیرها با شادکامی $0/293$ بوده و R^2 محاسبه‌شده براساس این متغیر $0/086$ است؛ یعنی این دو متغیر تاحدودی ۸/۶ درصد از واریانس متغیر شادکامی دانشجویان را تبیین می‌کنند.

برای بررسی رابطه بین متغیرهای سن و شادکامی دانشجویان از آزمون ضریب همبستگی پیرسون استفاده شد، نتایج به‌دست‌آمده نشان می‌دهد بین سن دانشجویان و شادکامی آنها رابطه معناداری وجود ندارد.

همچنین برای بررسی تفاوت نمرات آزمودنی‌ها در شادکامی از آزمون t مستقل استفاده شد. نتایج

عده تفاوت‌های ظریف فرهنگی برمی‌آیند و کنش‌های بین فرهنگی را خودبه‌خود چنان تنظیم می‌کند که به تبادل بهتر و پیش‌بینی تفاوت‌های اندک بین فرهنگی منجر شود (ابزری و خانی، ۱۳۸۹: ۵۵). به‌نظر پترسون^۳ (۲۰۰۴م)، هوش فرهنگی قابلیت فردی برای درک، تفسیر و اقدام اثربخش در موقعیت‌هایی است که از تنوع فرهنگی برخوردارند. ارلی، انگ و تان^۴ (۲۰۰۶م) هوش فرهنگی را توانایی فرد برای سازگاری و تطبیق موفق با زمینه‌های فرهنگی جدید می‌دانند که برای زمینه‌های ناآشنا قابل استناد به زمینه‌های فرهنگی است و اجزای تفکر استراتژیک فرهنگی، انگیزش و رفتار دارد. همچنین به‌نظر ارلی و موساکوسکی^۵ (۲۰۰۴م) افرادی که هوش فرهنگی بالاتری دارند بر روی روابط همکاری مثبت‌تری (به‌جای روابط رقابتی منفی) تمرکز دارند. انگ و همکارانش (۲۰۰۸م) تأکید می‌کنند که مفهوم هوش فرهنگی منعکس‌کننده توانمندی فردی برای عمل و مدیریت اثربخش در مجموعه‌های فرهنگی است. هوش فرهنگی به‌طور فزاینده‌ای در دنیای رقابتی امروز اهمیت یافته است. افرادی که هوش فرهنگی پایین دارند ممکن است قادر به ارتباط با همکارانشان از همان فرهنگ یا فرهنگ‌های دیگر نباشند و در نتیجه در کسب و کارشان دچار مشکل شوند (خاشعی و مستمع، ۱۳۹۰: ۶۴). ارلی و انگ (۲۰۰۳م)، فردی را دارای هوش فرهنگی بالا می‌دانند که بتواند به‌شیوه مؤثری در یک زمینه فرهنگی نوین و متفاوت با زمینه فرهنگی رشدیافته در آن، خود را سازگار کند، بدون آنکه هویت فرهنگی خود را کنار بگذارد و به‌نظر گادیکونست، تینگ تامی و چو^۶

از نظر فرهنگی مطلوب است، تجربه می‌کنند و نیز رویدادهای خنثی را به‌صورت مثبت و رویدادهای مثبت را مثبت‌تر در نظر می‌گیرند. در واقع افراد قادرند با کنترل افکارشان خوشبختی ذهنی و شادکامی خود را افزایش دهند. شیرر^۱ و همکاران (۱۹۸۶م) دریافتند که افراد خوش‌بین، هنگام بروز موقعیت‌های مشکل از مقابله مسئله‌مدار استفاده کرده و به جست‌وجوی حمایت اجتماعی برمی‌آیند و بر جنبه‌های مثبت رویدادهای منفی، تأکید و تمرکز می‌کنند. افراد دارای معنویت، میزان بالاتری از شادکامی را گزارش می‌کنند. از آنجایی که هوش معنوی توانایی تجربه‌شده‌ای است به افراد امکان دستیابی به دانش و فهم بیشتر را می‌دهد و زمینه را برای رسیدن به کمال و ترقی در زندگی فراهم می‌سازد (Gain & Purohit; 2006: 227- 233). نتایج پژوهش لیوبومیرسکی و کینگ^۲ (۲۰۰۵م) درباره شادی نشان داده است که افراد شاد، بازدهی فردی، خانوادگی، تحصیلی و اجتماعی بالاتری داشته‌اند.

از دیدگاه واگان (۲۰۰۲م)، هوش معنوی مکانیسمی است که با آن کیفیت زندگی افراد، بهبود می‌یابد و برای شناسایی انتخاب‌هایی لازم است که در بهزیستی روان‌شناختی و رشد سلامتی کل بشر نقش دارند. انگ و همکاران (۲۰۰۷م) هوش فرهنگی را توانایی فردی برای فعالیت و مدیریت مؤثر در زمینه‌های فرهنگی متنوع می‌دانند که از اجزای شناختی، فراشناختی، انگیزش و رفتار تشکیل شده است و در قضاوت فرهنگی و تصمیم‌گیری، عملکرد و تطابق فرهنگی کاربرد دارد. افرادی که از هوش فرهنگی بالایی برخوردار هستند به‌سرعت متوجه تغییرات بستر فرهنگی می‌شوند. این افراد به‌راحتی از

3. Peterson, B.

4. Tan, J. S.

5. Mosakowski, E.

6. Gudykunst, W. B & Ting-Toomey, S & Chua, E

1. Scheier, M. F.

2. Lyubomirsky, S & King, L.

و همکاران (۱۳۹۰)، صحرانیان و همکاران (۱۳۹۰)، دبیری و همکاران (۱۳۹۰)، صفری (۱۳۸۹)، یعقوبی (۱۳۸۹)، امیدیان (۱۳۸۸)، علی‌پور و آگاه هریس (۱۳۸۶)، عناصری (۱۳۸۶) و نیز مغایر با نتایج پژوهش‌های بیرامی و همکاران (۱۳۹۰) و علی‌پور و نوری (۱۳۸۵) است.

در تبیین این یافته‌ها می‌توان گفت متغیرهای میزان تحصیلات، میزان درآمد در شادکامی افراد تأثیر دارند (ییلای بیگی و منشئی، ۱۳۹۰: ۴۸)؛ همچنین نتایج لیوبومیرسکی و کینگ (۲۰۰۵م) نیز نشان می‌دهد که وضعیت تأهل، روابط دوستانه، درآمد انجام کار و سلامتی در شادکامی افراد تأثیر دارند. باتوجه به نمونه مطالعه‌شده در دانشگاه و اینکه دانشگاه‌ها، نهادی علمی هستند که رسالت تولید و مدیریت دانش، تأمین و تربیت نیروی انسانی متخصص و مولد را در جامعه به عهده دارند، می‌توانند با ایجاد شادی و نشاط در بین دانشجویان، افزون بر حفظ سلامت جسمی و روانی آنان، احتمال موفقیت آنان را در همه شئون تحصیلی و معنوی افزایش دهند. نزدیکی سنی، جوان بودن، استفاده از شرایط و فرصت‌های کمابیش برابر دختران و پسران در جامعه امروزی سبب شده است بین شادکامی افراد براساس جنسیت تفاوت معناداری وجود نداشته باشد. به‌طور کلی، باتوجه به نتایج به‌دست‌آمده پیشنهاد می‌شود دانشگاه‌ها توجه بیشتری به مسائل و عوامل مربوط به هوش و از جمله هوش معنوی و هوش فرهنگی داشته باشند تا بتوانند به راحتی راه و روش مختلف ارتباطات را یاد بگیرند؛ مانند ایجاد و گسترش برنامه‌ها و فعالیت‌های مختلف فرهنگی در محیط دانشگاه و افزایش برنامه‌های مربوط به همدلی، خلاقیت، هنری و دینی.

(۱۹۹۸م)، افرادی با سطح بالای هوش فرهنگی رفتاری، می‌توانند یک روش مناسب با زمینه‌های فرهنگی گوناگون درباره رفتارهایی مثل صدا، زبان احوالپرسی و حرکات اجتماعی داشته باشند. به‌طور کلی، رفتار هوش فرهنگی مجموعه‌ای از پاسخ‌های رفتاری منطقی را شامل می‌شود که در موقعیت‌های مختلف به کار می‌آید و متناسب با یک تعامل خاص یا موقعیت ویژه از قابلیت اصلاح و تعدیل برخوردار بوده و باعث ایجاد بهزیستی و شادکامی در افراد می‌شود؛ در نتیجه می‌توان گفت افراد برخوردار از هوش معنوی و هوش فرهنگی، از میزان شادکامی بالاتر و بیشتری بهره‌مند خواهند شد.

نتایج به‌دست‌آمده نشان می‌دهد بین سن دانشجویان و شادکامی آنها رابطه معناداری وجود ندارد. این نتیجه مغایر با نتایج ییلای بیگی و منشئی (۱۳۹۰) است.

میانگین نمره شادکامی در این پژوهش ۴۴/۱۹ به‌دست آمد. همچنین میانگین نمرات آزمودنی‌ها در در تحقیق صیامیان و همکاران (۱۳۹۰): ۴۵؛ نشاط دوست و همکاران (۱۳۸۶): ۴۶/۶۸؛ علی‌پور و آگاه هریس (۱۳۸۶): ۴۲/۰۷؛ عابدی و همکاران (۱۳۸۵): ۴۴/۴؛ علی‌پور و نوربالا (۱۳۷۸): ۴۵/۸؛ فرانسیس و همکاران (۱۹۹۸م): ۳۸/۴۲ و به‌دست آمد. بررسی میانگین نمره آزمون شادکامی باتوجه به اجرای آزمون شادکامی آکسفورد در پژوهش‌های مختلف نشان‌دهنده تفاوت‌های فردی، فرهنگی و اجتماعی و سایر ویژگی‌های نمونه‌های مورد مطالعه است.

همچنین سایر نتایج نشان می‌دهد که بین میانگین شادکامی دانشجویان دختر (۴۲/۷۸) و دانشجویان پسر (۴۶/۲۷) تفاوت معناداری وجود ندارد. این نتیجه موافق با نتایج و رفیعی و همکاران (۱۳۹۱)، صیامیان

منابع

جعفری، سیدابراهیم؛ عابدی، محمدرضا؛ لیاقتدار، محمدجواد (۱۳۸۳). بررسی میزان شادکامی و عوامل وابسته با آن در دانشجویان دانشگاه‌های شهر اصفهان. گزارش طرح پژوهشی. اصفهان: دانشگاه اصفهان.

خاشعی، وحید؛ مستمع، محمد (۱۳۹۰). «هوش فرهنگی مدیران، عامل کلیدی موفقیت در مدیریت سازمان‌های هزاره سوم. ماهنامه مهندسی فرهنگی». س ۵، ش ۵۱ و ۵۲، صص ۶۲-۷۲.

خوش‌کنش، ابوالقاسم؛ کشاورز افشار، حسین (۱۳۸۷). «رابطه شادکامی و سلامت روانی دانشجویان». فصلنامه اندیشه و رفتار. دوره ۲، ش ۷، صص ۴۱-۵۲. دبیری، علیرضا؛ دلاور، علی؛ صرامی، غلامرضا (۱۳۹۰). «نقش پیش‌بینی‌کننده سبک‌های فرزندپروری حرمت خود در شادکامی دانشجویان». فصلنامه روان‌شناسی تربیتی. ش ۲۰، صص ۱-۱۶.

رفیعی، محمد؛ موسوی‌پور، سعید؛ آقاجانی، مریم (۱۳۹۱). «بررسی شادکامی، سلامت روانی و ارتباط بین آنها در دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی اراک در سال ۱۳۸۹». مجله علمی پژوهشی دانشگاه علوم پزشکی اراک. س ۱۵، ش ۳، ش پیاپی ۶۲، صص ۱۵-۲۵.

صحرائیان، علی؛ غلامی، عبدالله؛ امیدوار، بنفشه (۱۳۹۰). «رابطه نگرش مذهبی و شادکامی در دانشجویان پزشکی دانشگاه علوم پزشکی شیراز». فصلنامه افق دانش. دوره ۱۷، ش ۱، صص ۶۹-۷۴. صفاری‌نیا، مجید؛ عبدالله‌زاده، حسن (۱۳۸۹). «رابطه بین هوش فرهنگی و صفات شخصیتی در دانشجویان ترکمن دانشگاه پیام‌نور بهشهر». چاپ نشده.

صفری، شهریانو (۱۳۸۹). «بررسی میزان شادکامی و ارتباط آن با متغیرهای جمعیت‌شناختی در بین دانشجویان». فصلنامه تازه‌های روان‌شناسی صنعتی

ابزری، مهدی؛ خانی، اعظم (۱۳۸۹). «هوش فرهنگی، رویارویی با تفاوت‌ها. عصر مدیریت». س ۴، ش ۱۶ و ۱۷، صص ۵۲-۵۷.

احمدی، یعقوب (۱۳۹۰). «نگرش دینی و هوش فرهنگی». فصلنامه معرفت. س ۲۰، ش ۱۶۷، صص ۱۲۳-۱۳۸.

اصغری‌زاده، عزت‌الله؛ قاسمی، احمدرضا (۱۳۸۹). «هوش فرهنگی و کارکردهای آن در سازمان‌ها». ماهنامه مهندسی فرهنگی. س ۴، ش ۴۱ و ۴۲، صص ۷۰-۷۹. امیدیان، مرتضی (۱۳۸۸). «بررسی وضعیت سلامت عمومی و شادکامی در دانشجویان دانشگاه یزد». مطالعات تربیتی و روان‌شناسی دانشگاه فردوسی. دوره ۱۰، ش ۱، صص ۱۰۱-۱۱۶.

باقری، فریبرز؛ اکبری‌زاده، فاطمه؛ حاتمی، حمیدرضا (۱۳۹۰). «رابطه بین هوش معنوی و شادکامی و متغیرهای دموگرافیک در پرستاران بیمارستان فاطمه‌الزهرا و بنت الهدی شهرستان بوشهر». فصلنامه طب جنوب. س ۱۴، ش ۴، صص ۲۵۶-۲۶۳.

بیرامی، منصور؛ هاشمی، تورج؛ و همکاران (۱۳۹۰). «عوامل جمعیت‌شناختی، دینداری با تکیه بر اسلام و عملکرد خانواده در پیش‌بینی شادکامی دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی تبریز». مجله تحقیقات علوم رفتاری. دوره ۹، ش ۱، صص ۳۳-۴۳.

بهادری خسروشاهی، جعفر؛ باباپورخیرالدین، جلیل (۱۳۹۱). «رابطه سبک‌های هویتی و کمال‌گرایی با احساس شادکامی در دانشجویان». مجله روان‌شناسی. سال شانزدهم. ش ۱، صص ۳۶-۵۰.

ثابت، مهرداد؛ لطفی کاشانی، فرح (۱۳۸۹). «هنجاریابی آزمون شادکامی آکسفورد». فصلنامه اندیشه و رفتار. دوره ۴، ش ۱۵، صص ۷-۱۸.

- و سازمانی. سال ۱، ش ۲. صص ۷۹-۸۶.
- صیامیان، حسن؛ نعیمی، ام‌بنین و همکاران (۱۳۹۰). «بررسی وضعیت شادکامی و ارتباط با برخی از متغیرهای جمعیت‌شناختی در دانشجویان پیراپزشکی». *مجله دانشگاه علوم پزشکی مازندران*. دوره ۲۱، ش ۸۶. صص ۱۶۸-۱۷۵.
- عابدی، محمدرضا؛ میرشاه جعفری، سیدابراهیم؛ لیاقت‌دار، محمدجواد (۱۳۸۵). «هنجاریابی پرسش‌نامه شادکامی آکسفورد در دانشجویان دانشگاه‌های اصفهان». *مجله روانپزشکی و روان‌شناسی بالینی ایران*. س ۱۲، ش ۲. شماره پایایی ۴۵. ص ۹۵.
- علی‌پور، احمد؛ آگاه هریس، مژگان (۱۳۸۶). «اعتبار و روایی فهرست شادکامی آکسفورد در ایرانی‌ها». *فصلنامه روان‌شناسی تحولی (روان‌شناسان ایرانی)*. س ۳، ش ۱۲، صص ۲۸۷-۲۹۸.
- علی‌پور، احمد؛ نوری، ناهید (۱۳۸۵). «بررسی پایایی و روایی مقیاس افسردگی - شادکامی در کارکنان دادگستری شهر اصفهان». *فصلنامه اصول بهداشت روانی*. س ۸، ش ۳۱ و ۳۲، صص ۸۷-۹۶.
- علی‌پور، احمد؛ نوربالا، علی (۱۳۷۸). «بررسی مقدماتی و پایایی و روایی پرسش‌نامه شادکامی آکسفورد در دانشجویان دانشگاه‌های تهران». *فصلنامه اندیشه و رفتار*. س ۵، ش ۱ و ۲، صص ۵۶-۶۲.
- عناصری، مه‌ربار (۱۳۸۶). *رابطه بین سلامت روان و شادکامی دانشجویان دختر و پسر*. *فصلنامه اندیشه و رفتار*. دوره ۲، ش ۶. صص ۷۵-۸۴.
- غفاری، جعفر (۱۳۸۷). *بررسی رابطه هوش عاطفی و هوش فرهنگی بر عملکرد مدیران مدارس حوزه علمیه*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده مدیریت دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی. کشاورز، امیر (۱۳۸۴). *بررسی رابطه بین شادکامی با*
- سرزندگی، جزمیت - انعطاف‌پذیری و ویژگی‌های جمعیت‌شناختی در مردم شهر اصفهان. پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه اصفهان، چاپ نشده.
- منظری توکلی، علیرضا؛ عراقی‌پور، نجمه (۱۳۸۹). «بررسی رابطه بین دینداری و شادکامی در بین دانشجویان دختر دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرمان سال تحصیلی ۸۹ - ۱۳۸۸». *فصلنامه روان‌شناسی تربیتی*. ش ۱۹، س ۶، صص ۱۹-۴۵.
- معین، محمد (۱۳۷۱). *فرهنگ فارسی معین*. تهران. نشر ادنا. چاپ چهارم.
- نشاط‌دوست، حمیدطاهر؛ مهرابی، حسنعلی؛ و همکاران (۱۳۸۶). «تعیین عوامل مؤثر در شادکامی همسران کارکنان شرکت فولاد مبارکه». *فصلنامه خانواده‌پژوهی*. س ۳، ش ۱۱، صص ۶۷۰-۶۸۱.
- هادی‌نژاد، حسن؛ زارعی، فاطمه (۱۳۸۸). «پایایی، اعتبار و هنجاریابی پرسش‌نامه شادکامی آکسفورد». *فصلنامه پژوهش‌های روان‌شناختی*. دوره ۱۲، ش ۱ و ۲.
- یعقوبی، ابوالقاسم (۱۳۸۹). «بررسی رابطه هوش معنوی با میزان شادکامی دانشجویان دانشگاه بوعلی‌همدان». *فصلنامه پژوهش در نظام‌های آموزشی*. ش ۹، صص ۸۵-۹۶.
- یعقوبی، حمید؛ برادران، مجید (۱۳۹۰). «همبسته‌های سلامت روانی: شادکامی، ورزش و هوش هیجانی». *فصلنامه پژوهش‌های نوین روان‌شناختی*. س ۶، ش ۲۳، صص ۲۲۴-۲۰۴.
- بیلاق‌بیگی، مانک؛ منشی، غلامرضا (۱۳۹۰). «ارتباط آموزش قرآن کریم با شادکامی». *دو فصلنامه تخصصی پژوهش‌های میان‌رشته‌ای قرآن کریم*. س ۲، ش ۴، صص ۴۵-۵۱.
- Amram, Y. & Dryer, C. (2007). *The Development and Preliminary Validation of the Integrated Spiritual Intelligence Scale (ISIS)*. Palo Alto, CA: Institute of Transpersonal Psychology Working Paper. Available on <http://www.Geocities.com/isisfindings/>.

- and subjective wellbeing. *Journal of Health and Social Behavior*. 32. Pp: 80- 99.
- Emmons, R. A. (1999). The psychology of ultimate concerns: Motivation and spirituality in personality. *New York: Guilford Press*. Pp: 51-73.
- _____. (2000). Is spirituality an intelligence? Motivation, cognition and the psychology of ultimate concern. *The international Journal for the psychology of Religion*, 10 (1). Pp: 3-26.
- Francis, L. J.; Brown, I. B.; Lester, D. & Philip, C. (1998). Happiness as stable extroversion : A cross-cultural examination of reliability and validity of Oxford Happiness Inventory among students in the U. K., U. S. A., Australia and Canada. *Journal of Personality and Individual Differences*. 24. Pp:167-171.
- Gain, M. & Purohit, P. (2006): Spiritual intelligence: Acontemporary concern with rigard to living status of the senior citizens. *journal of the Indian Academy of Applied psychology*. 32 (3). Pp: 227- 233.
- Gavin, J. H.; And Mason, R. O. (2004). The Virtuous Organization: The Value of Happiness in the Workplace. *Organ Dyn*. 33.Pp: 379-392.
- Genia, V. (1996). I. E., Quest, and fundamentalism as predictor of psychological and spiritual well – being. *Journal for the scientific of Religion*. 35. Pp: 56- 64.
- Gudykunst, W. B.; Ting-Toomey, S. & Chua, E. (1988). *Culture and interpersonal communication*. Newbury park: sage.
- Hills, p. & Argyle, M. (2001). Happiness. introversion-extraversion and happy introvert. *Personality and Individual Differences*. 30. Pp: 595-608.
- King, D. B. (2008). “Rethinking Claims of Spiritual Intelligence: a Definition, Model and Measure”, *Applications of Modeling in the Natural and Social Sciences Program, Trent University*. Canada.
- King, L. A. & Napa, C. K. (1998). What makes a life good? *Journal of Personality and Social Psychology*. 75.Pp: 156-165.
- Lyubomirsky, S. & king, L. (2005). the Benefits of frequent positive affect: Does Happiness Lead to success? *Psychological Bulletin*. Vol 131, No 6. Pp: 803- 855.
- McSherry, W.; Draper, P. & Kendrick, D., (2002). The construct validity of a rating scale designed to assess spirituality and spiritual care. *Int Journal Nurs Stud*. 39 (7).
- Andrews, F. M. & McKennell, A, C. (1980). Measures of self-reported well-being: their affective, cognitive, and other components. *Social Indicators Research* 1980: 8(2). Pp: 127-55.
- Ange, S; Van Dyne, L; Koh, C; Yee Ng, K; Templer, K. J; Tay, C. & Chandrasekar, A. (2007). Cultural Intelligence: Its measurement and effects on cultural judgment and decision making, cultural adaption and task performance. *Management and organization Review*. 3. 3. PP: 335-371.
- Ange, S.; Van Dyne, L.; Koh, C. & Ng, K. Y. (2004). The measurement of cultural intelligence. *Paper presented and the 2004 academy of management Meetings Symposium on Cultural Intelligence in the 21 st century, New Orleans, LA*.
- Argyle, M.; Martin, M. & Lu, L. (1995 A). Testing for stress and happiness: The role of social and cognitive factors. In C. D. Spielberger, & I. G. Sarason. (Eds). *Stress and emotion*, Washington D. C: Taylor & Francis.
- Argyle, M.; Martin, M.; Lu, L., Spielberg, C. & Sarason, I. (1995 B). Testing for stress and happiness: The role of social and cognitive factors. *Stress and emotion: anxiety, anger, and curiosity*. In: Spielberg ChD. editor. Michigan: Taylor & Francis.
- Argyle, M. & LU, L. (1989). The happiness of extraverts. *Personality and Individual Differences*. 11.Pp: 1011-1017.
- Bekhet, A. K.; Zauszniewski, J. A.; Nakhla, W. E. (2008). *Happiness: Theoretical and Empirical Considerations Nurs Forum*. 43. PP: 12-23.
- Buss, D. M. (2000). The evolution of happiness. *American Psychologist*. 55 (1). 15-23.
- Earley, P. C. & Mosakowski, E. (2004). Cultural Intelligence, *Harvard Business Review*. Vol. 82, Issue 10. pp: 139-146.
- Earley, P. C. & Ang, S. (2003). *Cultural Intelligence: Individual Interactions across Cultures, MStanford, CA: Stanford University Press*.
- Early, P. C.; Ang, S. & Tan, J. S. (2006) *Developing Cultural Intelligence at Work, Mstanford. CA: Stanford University Press*.
- Early, P. C. & Peterson, R. S. (2004) “Cultural Intelligence as a new Approach to International Training for the Global Manager”, *Academy of Management Learning and Education*, M. vol: 3 (1). Pp: 100-115.
- Ellison, C. G. (1991). Religious involvement

- Psychology*. 51. Pp: 1257-1264.
- Sisk, D. A. (2008). Engaging the Spiritual Intelligence of Gifted Students to Build Global Awareness in the Classroom. *Roepers Review*. Vol: 30. P: 27.
- Sisk, D. A. & Torrance, E. P. (2001). Spiritual Intelligence: Developing higher consciousness. *Buffalo*. New York: Creative Education Foundation Press.
- Sternberg, J. R. (1999). "Successful Intelligence: Finding a Balance". *Trends in Cognitive sciences*. Vol.3,no.11. Pp: 432 – 436.
- Thomas, D. C.; Elron, E, Set al. (2008). International. *Journal of Cross Cultural Management*. Pp: 123–143.
- Vaughan, F. (2002). what is spiritual Intelligences? *Journal of Humanistic Psychology*. Vol 42. No 2. Pp: 16-33.
- Veenhoven, R. (1997). Advances in understanding of happiness. *Revue Québécoise de psychologie*. 18. Pp: 29-74.
- Zohar, d. & Marshall, I. (2000). *SQ: Spiritual intelligence, the ultimate intelligence*. London: Bloomsbury.
- Pp: 723 - 734.
- Myers, D. G. (1995). Diener ED. Who is happy? *Psychological Science*. 6(1): Pp: 10-9.
- Nasel, D. D. (2004). Spiritual orientateon in Relation to spiritual intelligence: A consideration of traditional Christianity & new Age/ individualistic spirituality, *unpublished thesis*. Australia: The university of south Australia.
- Peterson, B. (2004). *Cultural intelligence: A guide to working with people from other cultures*. Yurmouth, ME. Intercultural Press.
- Plum, E.; Achen, B.; et al. (2007). Cultural intelligence: a concept for bridging and benefiting from cultural differences. Børsens Forlag, Copenhagen. Available from www.culturalintelligence.org/cqiloapp.pdf.
- Pollner. M. (1989). Divine relations. Social relations. And well – being. *Journal of Health and social Behavior*. 30. Pp: 92- 104.
- Scheier, M. F.; Weintraub, J. K.; & Carver, S. S. (1986). Coping with stress: Divergent strategies of optimists and pessimists. *Journal of Personality and Social*